نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال هفدهم، شماره ۴۵، تابستان ۹۶

تحلیل شبکه مهاجرت‌های بین‌استانی در ایران (۹۰-۱۳۸۵)

دریافت مقاله: ۹۴/۸/۱۸ پذیرش نهایی: ۹۶/۳/۱

صفحات: ۲۰۶-۱۸۵

محسن آقایاری هیر: استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تبریز[۱]
Email:aghayarihir@Gmail.com
هادی حکیمی: استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز
Email: h.hakimi@tabrizu.ac.ir

چکیده

در پژوهش حاضر با عنایت به روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و با استفاده از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۰)، به تحلیل شبکه و تحلیل شاخه‌درختی مهاجرت‌های بین‌استانی با استفاده از نرم‌افزار UCINET 6 پرداخته شده است. نتایج تحلیل‌های انجام یافته به‌صورت نمودارهای تحلیلی ارائه شده و حاکی از وجود چند خوشه‌ی اصلی در مهاجرت‌های بین‌استانی است که با میزان جریان متفاوتی شکل گرفته و در نهایت به شاخه‌ی اصلی (استان‌های تهران و البرز) می‌پیوندند. بعلاوه برخی استان‌ها توانسته‌اند نقش منطقه‌ای قابل‌توجهی در جذب مهاجر از استان‌های همجوار ایفا نمایند که شامل استان‌های البرز، اصفهان، آذربایجان‌شرقی، بوشهر و خراسان رضوی است.

کلید واژگان: مهاجرت، تحلیل شبکه، مبادلات بین‌استانی، UCINET، ایران.

---

۱. **نویسنده مسئول:** گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تبریز.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

مقدمه

مهاجرت به‌عنوان حرکتی فردی یا گروهی، آن هم به‌صورت موقت یا دائم از یک نقطه‌ی جغرافیایی به نقطه‌ای دیگر، از بدو خلقت هم‌زاد بشر بوده است. اگر چه جمعیت‌شناسان معمولاً باروری، مرگ‌ومیر و مهاجرت را هم‌چون سه زمینه‌ی مطالعاتی می‌شناسند، اما در حالی که در سال‌های دور مطالعات باروری و مرگ‌ومیر در تحلیل‌های جمعیتی مسلط بوده‌اند، در دهه‌های اخیر، پژوهش‌ها بر روی مهاجرت و تحرک افزایش پیدا کرده است (Clarke, 1986: 9).

در همبستگی بین مهاجرت و عوامل مختلف می‌توان به مهمترین یافته‌های مطالعات مهاجرتی اشاره کرد که نقش سن را مبنی بر شکل‌گیری عمده مهاجرت‌ها در سنین ۲۰ تا ۳۵ سال، گوشزد می‌نماید. دومین عامل مؤثر در مهاجرت، دست‌یابی به آموزش است و لذا سطوح بالای تحصیلات فرد یا خانوار، منجر به مهاجرت می‌شود. احتمال مهاجرت در بین کسانی که تحصیلات دانشگاهی دارند، سه برابر بیشتر از کسانی است که از تحصیلات ابتدایی برخوردارند. مهاجرت همچنین با وضعیت مالکیت هم تغییر پیدا می‌کند. مهاجرت در میان کسانی که اجاره‌نشین‌اند، سه یا چهار برابر بیشتر از مهاجرینی است که خودشان مالک هستند (Clarke , 1986: 25). البته در کنار همه‌ی این عوامل نباید از یاد برد که شهرنشینی به‌عنوان یک فرآیند متناهی برای همه ملت‌ها که از طریق آن از جامعه کشاورزی به جامعه صنعتی گذر می‌کنند، از عوامل تشدیدکننده مهاجرت‌هاست (Robbers, 1985: 25) و مهاجرت به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در تغییرات جمعیتی، از نخستین نیروهای نهان تغییرات تکنولوژیکی و اجتماعی در سرتاسر جهان است. همان‌طور که ترکیب جمعیت در یک ناحیه تغییر پیدا می‌کند (افزایش یا کاهش)، تغییرات بی‌شماری در کارکردهای اجتماعی حاصل می‌شود(Weeks, 2008: 5).

در مورد آثار مهاجرت بر روی تغییر الگوی فضایی و تغییر در ساختارهای سیاسی و اجتماعی پژوهش‌های خیلی کمی انجام شده است. پرواضح است که در سطح ملی و منطقه‌ای حرکت مردم بازنمی‌ایستد و مهاجرفرستی به سوی شهرهای بزرگتر جهان در حال تداوم است. شواهد موجود در کشورهای در حال توسعه دلالت‌های مهمی برای تغییر فضایی، فرایندهای سیاسی و توانایی جوامع برای مهیا کردن یک استاندارد مناسب زندگی برای جمعیت‌شان دارد. این سخن که مردم در زمان حرکت، هم مکانی که آن‌را ترک کرده‌اند و هم مکانی که به آن وارد می‌شوند را تحت تأثیر منفی خود قرار می‌دهند؛ به‌طور واضحی مبالغه‌آمیز است. در بعضی از موارد مهاجرپذیری می‌تواند بار سنگینی بر مکان‌ها باشد. به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه که هیچ شاهدی بر سودمندی آن دیده نمی‌شود. از طرف دیگر، مناطق با مهاجرفرستی بالا، شاید محیط‌های کاملاً مطلوبی برای افراد باقی‌مانده، بخصوص اگر شغل داشته و محیط اقتصادی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

نسبتاً باثبات داشته باشد، فراهم می‌آورد (Clarke, 1986: 25).

البته همه تغییرات جمعیتی بد نیست، اما رشد جمعیت یک تقاضای سیری‌ناپذیر برای منابع طبیعی و اجتماعی به‌وجود می‌آورد (Weeks, 2008: 299). شاید در گذشته پدیده مهاجرت از نظر اقتصادی مثبت بود، چرا که وسیله‌ای برای تخصیص بهینه منابع به لحاظ انتقال نیروی انسانی از نواحی کم‌بازده به نواحی پربازده به شمار می‌آمد. اما اکنون در ایران، نرخ‌های بالای مهاجرت به شهرهای بزرگ، مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی– کالبدی بوجود آورده است (رحمانی و حسن‌زاده، ۱۳۹۰: ۳-۲). شاید بتوان گفت؛ یکی از علل ناموفق بودن برنامه‌ریزی-های شهری در ایران و در برخی از کلان‌شهرها، جریان مستمر تغییرات فیزیکی و جمعیتی آنهاست و به این ترتیب برنامه‌ریز نمی‌داند با چه پدیده‌ای سروکار دارد و برای چه عنصری قصد برنامه‌ریزی دارد(رحمانی و سلطانی مقدس، ۱۳۹۱: ۷۴).

در طی نیم قرن اخیر، تغییرات زیادی در جمعیت کشور اتفاق افتاده که علاوه بر اثر مستقیم رشد و تحول طبیعی جمعیت، تحت تأثیر مهاجرت و تحرکات فضایی جمعیت قرار دارد. هر چند جمعیت به‌دلیل ماهیت انسانی خویش ذاتاً پویا است، اما تحرکات مکانی، به‌نوبه‌ی خود بر پویایی آن افزوده و پرداختن به پویایی‌ها و روندهای آنی و بلندمدت آن‌را از اهمیتی روزافزون برخوردار می‌سازد. این‌که جابجایی‌های جمعیتی از کدام نواحی سرچشمه گرفته و به کدام نواحی ختم می‌شوند؟ سئوال مهمی است که پیش‌روی مطالعات جغرافیایی مهاجرت قرار دارد. از آنجا که مهاجرت‌ها در میان نواحی و کانون‌های دارای ارتباط اجتماعی و اقتصادی رقم می-خورد و به لطف وحدت و انسجام ملی، تمام نواحی کشور ما امروزه دارای پیوندهای دیرینه و عمیق با یکدیگر هستند، پیوندهای مهاجرتی؛ فارغ از اثرات مثبت و منفی آن در مبدأ و مقصد، در میان تمامی استان‌های کشور وجود دارد.

این ارتباط و جابجایی‌ها به‌خوبی در قالب شبکه اجتماعی- جغرافیایی قابل بررسی است. چرا که می‌توان مهاجرت را در قالب یک‌سری نقاط گلوگاهی (سکونت‌گاه‌ها یا مناطق سکونت‌گاهی) با مسیرهای ارتباطی خاص که دارای جریان خاصی (جریان جمعیت یا مهاجرت) هستند، بررسی نمود. بحثی که اکنون از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، تحلیل شبکه‌ی مهاجرت-های صورت گرفته در بین استان‌های کشور است تا مشخص گردد، مهاجرت که خود بازتاب فضایی سیاست‌ها و سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در سطح نواحی مختلف کشور است، به چه ترتیب بر نواحی مختلف کشور اثر گذاشته و تداوم روندهای فعلی، آینده‌ی کشور را چگونه رقم خواهد زد؟ و در نهایت اینکه چه باید کرد؟ تحقیق حاضر با روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از آمارهای رسمی و نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و با عنایت به تکنیک

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

تحلیل شبکه انجام شده است.

برای تحقق این مهم، پس از طرح مسئله‌ی حاضر، برخی مباحث نظری مرتبط با مهاجرت، شبکه و تحلیل آن مطرح شده و سپس مراحل روش‌شناسی مقاله همراه با جزئیات داده‌ها و چندوچون تجزیه‌وتحلیل آنها آمده است. سپس به تجزیه‌وتحلیل داده‌ها و تحلیل شبکه‌ی مهاجرت‌های بین استانی در سطح کشور پرداخته شده و یافته‌ها در قالب جداول و نمودارهای خاصی تبلور یافته و گویای وضعیت موجود مهاجرت‌ها در سطح کشور است. در ادامه تلاش شد تا در خصوص وضعیت آتی و راهکارهای پیش‌روی کشور به بحث و بررسی پرداخته شود. امید که آنچه در این مختصر به رشته‌ی تحریر درآمده، گامی هرچند کوچک در جهت آینده‌ای بهتر برای کشورمان باشد.

مبانی نظری

تعاریف متعددی از مهاجرت به عمل آمده است. برخی مهاجرت را به عنوان «حرکت فرد یا گروهی از یک مکان به مکان جغرافیایی دیگر تعریف نموده‌اند که از پدیده‌های بسیار مهم در جهان مدرن بوده و جزء جدایی‌ناپذیر از توسعه می‌باشد» (Nicolavea, 2001: 28 & Yao, 2008: 1). برخی دیگر آن‌را «شامل تغییر سکونتگاه توسط شخص، خانواده یا سرپرست خانوار» (Newbold, 2010: 125) می‌دانند. به‌عبارت دیگر مهاجرت عبارت از «تغییر مکان جغرافیایی جمعیت‌ها، برای زمان دراز و یا قطعی» (فرید، ۱۳۸۳: ۳۰۷) یا «شکلی از تحرک جغرافیایی یا تحرک مکانی که بین دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد» (تمنا، ۱۳۹۱: ۱۷۸ به نقل از امانی و همکاران، ۱۳۵۴: ۷۱) می‌باشد. اما مهاجرت از نظر "لی[۱]" «تغییر دائم یا نیمه‌دائم محل زندگی است» (لوکاس و میر، ۱۳۸۱: ۱۴۲) و از نظر جوان «ادامه‌ی منطقی توزیع، ترکیب نهایی و جابجایی جمعیت در مکان جغرافیایی است که مهمترین شکل تحرک مکانی جمعیت قلمداد می‌شود» (جوان، ۱۳۸۹: ۳۱۵). به‌طور کلی می‌توان گفت که «اتفاق‌نظر کلی در مفهوم مهاجرت بین صاحب‌نظران وجود ندارد، ولی به‌طور کلی شاید بتوان مهاجرت را جابجایی بین دو واحد جغرافیایی و یا به‌عبارت دیگر ترک یک سرزمین و اسکان در سرزمین دیگر تعریف نمود» (کلارک، ۱۳۹۰: ۱۷۴).

اما شبکه نیز از دیدگاه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته و تعاریف متعددی برای آن ارایه شده است. کانزکای، شبکه را «مجموعه‌ای از مکانهای جغرافیایی می‌داند که به وسیله تعدادی از مسیرها با همدیگر ارتباط دارند» (Yeung, 2005: 361). در لغت نامه آکسفورد (Wehmeier,

۱ Evert s. Lee

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

2007) و مری‌یام- وبستر (Merriam-Webster, 2008) از ابعاد مختلف به تعریف شبکه پرداخته شده و انواع مختلفی برای شبکه ذکر شده که از آن جمله می‌توان به شبکه‌های فیزیکی (جاده-ها، خطوط، لوله‌ها و ...)، شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های کامپیوتری، شبکه‌های ارتباطات از راه دور و ... اشاره نمود. این موارد کاربرد عمومی شبکه را نشان می‌دهد، اما شبکه در مباحث علمی مربوط به هر رشته، با دیدگاه خاصی مورد توجه قرار می‌گیرد. برخی از تعاریف شبکه که بدلیل ماهیت بحث به این تحقیق ارتباط پیدا می‌کنند در جدول(۱) ارایه شده‌اند.

جدول (۱). برخی از تعاریف شبکه از دیدگاه‌های مختلف

ارائه کننده‌ی تعریف	تعریف	منبع
ناطق و همکاران ۱۳۸۵	همکاری میان بنگاه‌هایی که از مکمل بودن هم کسب سود کرده، از بازارهای جدید بهره‌برداری می‌کنند، فعالیت‌های یکپارچه‌ای دارند و از منابع و دانش به‌صورت مشترک استفاده می‌کنند.	ناطق و همکاران ۱۳۸۵
دولفوس ۱۳۷۰	شبکه‌ها عموماً نظام‌های خطی شکل و ممتدی هستند که امکان انتقال مواد، انرژی، جمعیت و اموال را میان نقاط مختلف فضای انسانی، فراهم می‌آورند.	دولفوس ۱۳۷۰
ولمن ۱۹۸۸	یک شبکه، از اعضای شبکه و مجموعه‌ای از پیوندها که افراد، کنشگران یا گره‌ها را به هم متصل می‌سازد، تشکیل شده است.	باستانی و هیکویی ۱۳۸۶
کراول ۲۰۰۴	شبکه سیستم پیچیدهٔ روابط بین افراد در سیستم اجتماعی است.	شارع‌پور ۱۳۸۶
باستانی ۱۳۸۲	شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از افراد یا سازمان‌ها یا مجموعه‌های دیگر اجتماعی است که از طریق روابط اجتماعی مانند دوستی، همکار بودن یا تبادل اطلاعات با یکدیگر مرتبط می‌شوند. بدین ترتیب شبکه اجتماعی، الگویی ارتباطی است که مردم را به هم متصل می‌کند و یا پیوندهایی است که افراد را با گروه‌هایی از مردم مرتبط می‌سازد	شارع‌پور ۱۳۸۶

بنابراین تعاریف، می‌توان گفت که شبکه عبارت است از مجموعه‌ای یکپارچه از اعضای مرتبط با هم که ارتباطات و مبادلات خود را از طریق مسیرهای ارتباطی خاصی شکل می‌دهند (آقایاری هیر، ۱۳۸۹: ۱۱). با عنایت به این تعاریف از مهاجرت و شبکه، اکنون می‌توان نظریات مرتبط با بحث را به شرح زیر مورد بررسی قرار داد.

در خصوص مهاجرت نظریات متفاوت و متعددی ارائه گردیده و هر کدام از این نظریات از نقطه‌نظر خاصی به موضوع نگاه کرده‌اند. اما با توجه به پیچیدگی امر مهاجرت، ارائه نظریه‌ای که بتواند همه ابعاد مهاجرت را به صورت دقیق تحلیل کند، خیلی سخت خواهد بود به قول

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

منگلام[۱]و شوارز ولر[۲] که می‌گوید " نظریه‌ای جامعه‌شناختی در باب مهاجرت، که الزامات سخت و دقیق نظریه رسمی را پاسخ گوید، احتمالاً در آینده نزدیک پدید نمی‌آید، گواهی بر این مدعاست. زیرا پژوهشگران با وجود آنکه پیشینه‌ای دراز در تحقیقات تجربی دارند، به‌تازگی مفهوم‌سازی پدیده مهاجرت را که کار دشواری است آغاز نموده‌اند، و به گونه‌ای نظام‌یافته تسلسل‌های علی را طرح و فرضیه‌ها را آزمایش می‌کنند، اموری که لزوماً باید قبل از ارائه رسمی نظریه صورت پذیرد" (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۳۱).

اولین تئوری مهاجرت توسط راونشتاین[۳] مطرح شد. زیرا سنت پژوهش بر روی مهاجرت با مشاهدات وی که معتقد بود عمده‌ی مهاجران جوانان هستند، شروع شد (Nicolaeva, 2001:8). در کل نظریه راونشتاین در شش فرض اساسی زیر خلاصه می‌شود:

۱- مهاجرت و فاصله: نرخ مهاجرت بین دو نقطه ارتباط معکوس با فاصله بین دو نقطه دارد. مهاجرینی که مسافت طولانی را طی می‌کنند تمایل دارند که ترجیحاً به یکی از مراکز بزرگ تجارت و صنعت بروند.

۲- مهاجرت مرحله‌ای: به‌طور طبیعی در جریان مهاجرت، افراد محلی مایل‌اند ابتدا به‌طرف شهرهای نزدیک و سرانجام به‌سوی شهرهایی که به سرعت رشد می‌کنند، مهاجرت کنند.

۳- جریان و ضد جریان مهاجرت: هر جریان عمده مهاجرت، یک ضدجریان جبران کننده را به‌وجود می‌آورد. به‌طوری که مهاجرت خالص از نقطه الف، به نقطه ب همیشه کمتر از مهاجرت ناخالص بین این دو نقطه است.

۴- تفاوت شهر و روستا در میل به مهاجرت: افراد بومی شهرها کمتر از آنهایی که در قسمت-های روستایی کشور هستند مهاجرت می‌کنند. از این‌رو در جریان‌های مهاجرت داخلی خالص، معمولاً مهاجرت از روستا به شهر بیشتر است.

۵- تکنولوژی، ارتباطات و مهاجرت: جریان‌های مهاجرت در طول زمان و در نتیجه‌ی افزایش امکانات جابجایی و توسعه صنعت و تجارت، ماهیتاً رو به افزایش است.

۶- تسلط انگیزه اقتصادی: قوانین بد و ظالمانه، مالیات‌های سنگین، آب و هوای نامناسب، محیط‌های اجتماعی نامطبوع و حتی اجبار (تجارت برده، حمل و نقل و ...) تماماً در ایجاد جریان‌های مهاجرت مؤثر بوده و هنوز هم مؤثر است. ولی جریان‌هایی که این عوامل به‌وجود می‌آورند هیچ‌یک از نظر حجم، قابل مقایسه با جریانی نیست که از میل باطنی اکثر انسان‌ها به

۱ Mangelam

۲ Schwarzweller

۳ Ravanestein

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

بهبود جنبه‌های مادی زندگی سرچشمه می‌گیرد. به‌طور خلاصه، انگیزه‌ی اقتصـادی در تصـمیم به مهاجرت از همه‌ی عوامل قوی‌تر است (تودارو، ۱۳۶۷: ۲۱- ۲۰).

"لی" دیگر نظریه‌پرداز مهاجرت می‌گوید که افراد به‌طور متفاوتی به مجموعه‌ای از عوامل مثبت و منفی در مبداء و مقصد واکنش نشان می‌دهند و آنها توانایی‌های متفاوتی برای غالب آمدن بر مجموعه‌های فرضی از موانع، دارند. با توجه به تئوری "لی"، عوامل جاذبه و دافعه، هر دو تأثیراتشان را بر مبداء و مقصد اعمال می‌کنند و راه‌های متفاوتی توسط افراد در مواجه با این عوامل تمییز داده می‌شود. عوامل شخصی می‌توانند با تأثیرگذاری بر عوامل محلی در تصمیم به حرکت و رفتار مهاجرتی دخالت کنند و یا مانع شوند. لی برای تعریف سازوکار تعامل عوامل محلی- شخصی[۱] فرض می‌کند که چگونگی اهداف در مناطق مبداء و مقصد و بر اساس ادراک شخصی افراد ارزیابی می‌شود. ادراکات شخصی، بر مبنای ویژگی‌های سنی، مادی، فیزیکی، اجتماعی، آموزشی و روان‌شناختی افراد، قرار دارند. بعضی از عوامل شخصی به واسطه-ی زمان، ثابت و یکسان هستند (جنس، آموزش، ولادت و ...) بعضی دیگر در طول چرخه‌ی حیات[۲] تغییر می‌یابند (سن، آموزش، وضعیت اقتصادی و اجتماعی و ...). درنتیجه وقایع مختلف زندگی می‌تواند تصمیم به مهاجرت را تحریک یا تغییر دهد. در نتیجه رفتار مهاجرتی همیشه به‌طور کامل، منطقی نیست. برای اینکه آن بر روی عوامل واقعی مبداء و مقصد قرار ندارد. بلکه بر روی ادراکات فردی و ارزیابی‌های آن عوامل، قرار دارد. در کل نظریه‌ی "لی" چهارچوب جامعی برای تحلیل مهاجرت انتخابی بر هر دو سطح فردی و گروهی بنیان می‌نهد (Nicolaeva, 2001: 8-11).

نظریه جاذبه– دافعه (کشش- رانش[۳]) نیز راجع به مکانیسم بیرونی مؤثر بر مهاجرت بر اساس تفاوت‌های محیط طبیعی و سطوح مختلف توسعه اقتصادی در مبداء و مقصد و هم‌چنین مکانیسم درونی مبتنی بر تفاوت‌های موجود در فرایند تصمیم‌گیری مهاجرین می‌باشد که در اوایل سال ۱۸۳۸، توسط هربرل مطرح شد. وی چنین فرض نمود که مهاجرت به علت نیروهای مختلفی صورت می‌گیرد که این نیروها شامل نیروهای جاذبه و نیروهای دافعه هستند (Zhang et al, 1997: 2).

«"چستاد[۴]" نظریه‌ی هزینه‌ها و بازده‌های انسانی مهاجرت[۱] را در مقاله‌ای با عنوان "هزینه‌ها و

۱ Locality- personal
۲ Life cycle
۳- Pull- push theory
۴- Sjaastads

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

بازده‌های انسانی مهاجرت" در مجله اقتصاد سیاسی در سال ۱۹۶۲ میلادی منتشر کرد. او بعضی از هزینه‌های مهم و عواید مهاجرت را در ابعاد عمومی و خصوصی مطرح نمود. هزینه‌ها و عواید مهاجرت از نظر وی مرکب از هزینه‌ها و عواید مادی[۲] و غیرمادی[۳] است. با توجه به نظریه "چستاد"، مردم هزینه مورد انتظار مهاجرت را در مقابل عواید مورد انتظار آن می‌سنجند. اگر درآمدها بیشتر از هزینه‌ها باشد، آنها مهاجرت می‌کنند. وی بر این اساس تبیین می‌کند که چرا مهاجرین در جریان مهاجرت، عمدتاً جوان هستند و مسن‌ترها کمتر احتمال دارد که جابجا شوند. زیرا افراد مسن ممکن است احتمالاً قسمتی از سرمایه‌ی خود را از دست بدهند و باقی عمر آنها، خیلی کوتاه‌تر از آن است که توجیه شوند ریسک بزرگی انجام دهند. اما جوان‌ترها، اغلب سرمایه‌گذاری اندکی در جهت کسب تجربه و آموزش در یک پیشه به‌خصوص داشته‌اند در حالی‌که قسمت بیشتری از عمر آنها، هنوز باقی است» (Anh,1998:18-19).

نظریه تودارو نیز با این پیش‌فرض آغاز می‌شود که «مهاجرت بر خلاف وجود بیکاری در شهر ادامه دارد؛ که این مهاجرت مبتنی بر محاسبات اقتصادی فرد است که جنبه شخصی دارد. در نظریه وی مهاجرت بیشتر در پاسخ به تفاوت درآمد مورد انتظار شهر و روستا صورت می‌گیرد تا درآمد واقعی. اساس بحث این است که مهاجرین، به عنوان تصمیم‌گیرنده، فرصت‌های گوناگونی را که در بازار کار در دسترس آنهاست، از جمله بین بخش‌های روستائی و شهری مورد توجه قرار می‌دهند و شغلی را انتخاب می‌کنند که دستاوردهای مورد انتظار آنها را از مهاجرت، به حداکثر برساند. لذا در تصمیم‌گیری برای مهاجرت، فرد احتمالات و مخاطرات مربوط به بیکاری یا کم‌کاری را در یک دوره‌ی نسبتاً طولانی در مقابل تفاوت‌های مثبت درآمد شهر و روستا سبک و سنگین می‌کند» (تودارو، ۱۳۶۷: ۳۷). «نظریه تودارو نتایج مهمی را برای استراتژی توسعه در ارتباط با مزدها و درآمدها، توسعه روستایی و صنعتی شدن ارائه می‌دهد که به شرح زیر است:

- ✓ ضرورت کاهش عدم تعادل فرصتهای شغلی در شهر و روستا؛
- ✓ ایجاد اشتغال در شهر راه‌حل ناکافی برای مساله بیکاری است (چون مهاجرت همواره بیش از آن است)؛
- ✓ گسترش بی‌رویه آموزش، به مهاجرت و بیکاری بیشتر منجر خواهد شد (چون فرصت اشتغال برای تحصیلات بالا بیشتر است. بنابراین مهاجرت جهت آموزش و دستیابی به

۱- Theory of the costs and returns of human migration

۲- Monetary

۳- Non-monetary

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

سطوح بالای تحصیل جهت کاریابی بهتر همچنان ادامه خواهد یافت)؛

- ✓ پایین بودن کمک مالی دولت، و قیمت‌گذاری سنتی محصولات مـی‌توانـد ضـد تولیـدی باشد؛
- ✓ برنامه توسعه یکپارچه روستایی بایـد تشـویق شـود (پـاپلی یـزدی و ابراهیمـی، ۱۳۸۱: ۱۶۷).

البته در نظریه تودارو که برای اولین بار در رساله دکتری‌اش مطرح گردید اصلاحاتی انجام شده است. هرچند که ویژگی اصلی تئوری وی تا به امروز، دست‌نخورده باقی مانده است. نظریه‌ی اصلاحی تحت عنوان نظریه‌ی هاریس[۱]– تودارو معروف شده است. این مدل، سکونت را متشکل از بخش دائمی شهری و بخش روستایی می‌داند که ماهیتاً از همدیگر متفاوت، ولی با همدیگر در حال مبادله هستند. بدین معنی که بخش روستایی به تولید کالاهای کشاورزی پرداخته و قسمتی از آن را با بخش شهری که کالاهای صنعتی تولید می‌کند، مبادله می‌نماید. از طرفی بخش روستایی بین استفاده از تمام نیروی کار موجود برای تولید کشاورزی و استفاده از قسمتی از نیروی کار برای تولید مواد غذایی و صدور بقیه آن برای اشتغال و دریافت مزد در بخش صنعت مخیر است. از این‌رو برخی افراد اقدام به مهاجرت کرده و نه‌تنها ارتباط خود را با روستا حفظ می‌کنند؛ بلکه از این طریق، روستا نیز از مزایای درآمدی مهاجرین استفاده می‌کند (تودارو، ۱۳۶۷: ۴۵-۴۳).

جانسون[۲] نیز اصلاحاتی را در مدل هاریس– تودارو انجام داد و متغیرهایی برای جابجایی نیروی کار و امکان اینکه افراد شاغل شهری از طریق شبکه خانواده گسترده، افراد بیکار را نیز در درآمد خود سهیم کنند، ارائه نمود. پورتر[۳] نیز پیشنهاداتی برای اصلاح مدل تودارو– هاریس ارائه نمود. بر این اساس که اگر اشتغال در بخش شهری، نرخ سریع‌تری از رشد کل جمعیت داشته باشد؛ به شرط عدم تغییر در سایر عوامل، بیکاری شهری نمی‌تواند حالت تعادل داشته باشد. باگواتی و سرینیواسان با نقد گسترده و در عین حال مثبت خود از مدل هاریس – تودارو متذکر شدند که نتیجه‌گیری هاریس – تودارو مبنی بر اینکه کمک بلاعوض مزد شهری همراه با محدودیت فیزیکی مهاجرت برای نیل به کارایی تولید در سطح کل اقتصاد ضروری است، درست نیست. چون بهترین راه‌حل می‌تواند از طریق طرح‌های مختلف مالیاتی و کمکی تحقق

۱- John Harris
۲- M. Johnson
۳- R. C. Porter

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

یابد، بدون اینکه نیازی به اعمال محدودیت‌های فیزیکی در مهاجرت داخلی باشد. کوردن[۱] و فیندلی[۲] آثار ایستای مقایسه‌ای رشد اقتصادی را، با توجه به تحرک کامل سرمایه و تعیین قیمت کالاها در بازار در چارچوب یک اقتصاد باز، هم در مورد مدل اصلی هاریس – تودارو و هم در مورد مدل اصلاح شده مورد بررسی قرار دادند. نامبردگان سپس با بررسی آثار مربوط به سیاست‌گذاری مدل اصلاح شده، به نتایجی رسیدند که نتیجه‌گیری‌های هاریس– تودارو را تأیید و اصلاح کرد (همان: ۴۹ – ۴۷).

اما بهترین نظریه مهاجرت که می‌تواند در قالب نظریه نوسازی طرح شود، نظریه آرتور لوئیس[۳] است. در این مدل لوئیس دو بخش اقتصادی را در نظر می‌گیرد. یک بخش معیشتی[۴] که با متوسط بهره‌وری پایین شناخته می‌شود با یک نیروی کار مازاد و یک بخش مدرن که رشد اقتصادی را تجربه می‌کند (Massey, 1981: 6). فرآیند تصمیم‌گیری در بخش معیشتی یا سنتی از نظر اقتصادی، بدون در نظر گرفتن حداکثر سود و غیرعقلانی است. جابجایی نیروی کار زمانی تشدید می‌شود که بخش نوین نرخ دستمزد بالایی (به‌طور نهادی شده) نسبت به بخش سنتی پرداخت نماید. در مقابل، بخش نوین ترکیبی از تمرکز سرمایه در صنایع و کشاورزی همراه با فناوری پیشرفته است. مؤسسات، در این بخش، به‌صورت عقلانی عمل می-کنند و به حداکثر سود از طریق اجاره نیروی کار تا نقطه‌ای که تولید را با حداکثر سود بدست بیاورند، می‌اندیشند. همان طور که اقتصاد رشد می‌کند، این مؤسسات سود خود را مجدداً سرمایه‌گذاری می‌کنند و برداشت خود را افزایش داده و نیروی کار را از بخش سنتی جذب می‌کنند. دستمزدها در بخش نوین تا زمانی که نیروی ذخیره از بخش سنتی منتقل می‌شود (نیروی کار در بخش سنتی فاقد حاشیه‌ی امنیتی است) صعود نمی‌کنند (براهمن، ۱۳۸۱: ۱۵). در کل می‌توان خلاصه نظریات مربوط به مهاجرت را به طور خلاصه در جدول شماره (۲) مشاهده نمود.

۱- W. M. Corden
۲- R. Findly
6- W. A. Lewis
7- Subsistence Sector

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

جدول (۲). نظریه‌های مهاجرت

ردیف	نظریه پرداز	مفاهیم کلیدی
۱	راونشتاین	مهاجرت و فاصله، مهاجرت مرحله‌ای، جریان و ضد جریان مهاجرت، تفاوت شهر و روستا در میل به مهاجرت، تکنولوژی، ارتباطات و مهاجرت، تسلط انگیزه اقتصادی.
۲	لی	عوامل دافعه و جاذبه، ادراکات شخصی.
۳	آرتور لوئیس	بخش معیشتی با نیروی کار مازاد و بخش مدرن با نیاز به نیروی کار.
۴	هربرل	نیروی جاذبه و دافعه.
۵	چستاد	هزینه‌های مهاجرت (مادی و غیر مادی)، بازده‌های مهاجرت(مادی و غیر مادی).
۶	تودارو	تفاوت درآمد مورد انتظار شهر و روستا.
۷	هاریس – تودارو	مبادله بین شهر و روستا.
۸	جانسون	سهیم شدن افراد بیکار در درآمد افراد شاغل در شهر از طریق شبکه خانواده.
۹	پورتر	بالا بودن نرخ‌های بیکاری شهری.
۱۰	باگواتی و سرینیواسان	طرح‌های مختلف مالیاتی و کمکی.
۱۱	کوردن‌و فیندلی	تحرک سرمایه بین بخش شهری و روستایی.
۱۲	فیلدز	یافتن شغل در شهر قبل از مهاجرت، کم‌کاری در بخش سنتی، جذب کارگران تحصیل-کرده در بخش نوین، جابجایی نیروی کار در یک چهارچوب چند زمانه شهری.

اما باید به این مباحث که بهبود وضعیت بهداشتی منجر به کاهش مرگ‌ومیر و افزایش جمعیت شده و مکانیزاسیون کشاورزی که به‌عنوان دافع جمعیت عمل نموده و گسترش ارتباطات منجر به تشدید مهاجرت‌های روستا- شهری می‌شود، هم پرداخته شود. از طرفی هر شهر، آستانه تحمل خاصی برای جذب جمعیت در بخش رسمی دارد که این آستانه‌ی محدود، بعضاً همراه با فقدان مهارت‌های مورد نیاز شهر، منجر به واگرایی کالبدی در شهر که به اسکان غیررسمی مشهور است، می‌شود که مباحث مربوط به آن از حوصله‌ی بحث حاضر خارج است.

روش‌شناسی

روش تحقیق حاضر توصیفی- تحلیلی است که مبتنی بر داده‌های ثانویه مربوط به تعداد مهاجرین بین استانی براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ و تحلیل آنها در قالب تکنیک تحلیل شبکه به انجام رسیده است. در این ارتباط علاوه بر مباحث و مطالعات نظری، مراحل زیر مورد توجه می‌باشد.

۱. طرح مسئله و شناسایی عناصر شبکه (گره‌گاه‌ها، یال‌ها و جریان)؛

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

۲. تشکیل ماتریس مهاجرین بین‌استانی: این ماتریس حاصل پردازش نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ است که توسط مرکز آمار ایران در قسمت آمارهای مهاجرت ارائه گردیده است. جدول (۳) به شکل کلی این آمارها را ارائه نموده که شمار مهاجرت‌های بین‌استانی را در طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ نشان می‌دهد.

۳. وارد کردن داده‌ها به سیستم: اطلاعات مرکز آمار ایران با فرمت نرم‌افزار EXCEL ارائه شده و با همین فرمت در محیط نرم‌افزار UCNET قابل بازیابی و ذخیره است.

۴. انجام تحلیل و ترسیم دیاگرام شاخه‌درختی[۱]؛

۵. تحلیل شاخه‌درختی مهاجرت‌های استانی: هدف از این تحلیل که توسط نرم‌افزارهای آماری مختلف به شکل تحلیل خوشه‌ای و در نرم‌افزار UCNET به شکل تحلیل شاخه‌درختی قابل انجام است، تحلیل شدت و نزدیکی مهاجرت استان‌ها همراه با خوشه‌های مهاجرتی شکل گرفته در میان استان‌های کشور است. حاصل این تحلیل به‌صورت نمودار شاخه‌درختی قابل ارائه است. در این نمودار، طول شاخه‌ها بیانگر شدت مهاجرت‌ها و در سرشاخه‌ها قرار گرفتن یک استان بیانگر وجود مهاجرت بیشتر برای استان مربوطه است. در قسمت‌های پایین‌تر شاخه‌ها نیز استان‌های با شدت کمتر ولی دارای تبادل مهاجر با استان‌های سرشاخه و نیز سایر استان‌های پیوسته به این سرشاخه‌ها نشان داده می‌شود.

۶. تحلیل شبکه مهاجرت‌های بین‌استانی: در این مرحله تحلیل‌های متعددی در قسمت Net Draw از نرم‌افزار UCNET به‌انجام رسید که برخی از آنها به شرح زیر می‌باشد:

- ✓ تحلیل جدایی‌گزینی[۲]
- ✓ تحلیل اجزاء تشکیل‌دهنده[۳]
- ✓ تحلیل چندگانگی[۴]
- ✓ تحلیل درجه مرکزیت[۵]
- ✓ تحلیل پیوندهای دوجانبه[۶] و ... ؛

۷. وارد کردن موقعیت جغرافیایی گلوگاه‌ها؛

---

۱ - Tree Diagram

۲ - Isolates

۳ - Components

۴ - K- Cores

۵ - Centrality Measures

۶ - Reciprocal Ties

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

۸. ارائه دیاگرام شبکه موقعیتی مهاجرت‌های بین‌استانی: در این مرحله، نتایج تحلیل‌های انجام یافته به‌صورت دیاگرام ارائه می‌شود. جهت ارائه بهتر دیاگرام ترسیم شده، لازم است برخی تنظیمات ضروری بر روی آن انجام شود تا ویژگی‌های شبکه‌ی شکل گرفته، به‌نحو مناسب ارائه گردد.

جدول (۳). ماتریس مهاجرت‌های بین استانی ایران در طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

تجزیه و تحلیل داده‌ها

چنان‌چه گذشت، ابتدا تحلیل شاخه‌درختی مهاجرت‌های استانی در سطح کشور مورد توجه قرار گرفته که به‌صورت شکل(۱) می‌باشد. چنان‌که از نمودار شماره (۱) برمی‌آید، بیشترین تعداد مهاجران در طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ در سطح کشور به استان‌های البرز و تهران

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

اختصاص دارد که با برتری استان البرز، مهمترین شاخه از درخت مهاجرت بین‌استانی را در طی این دوره شکل داده‌اند. این شاخه با پیوستن استان‌های گیلان، مازندران، همدان و مرکزی تقویت شده و سپس شاخه نسبتاً مهم (رده ششم اهمیت در سطح کشور) مربوط به استان‌های کردستان و کرمانشاه و نیز شاخه مهم (رده سوم اهمیت در سطح کشور) مربوط به استان‌های آذربایجان‌شرقی و غربی را دریافت داشته و سپس با پیوستن استان‌های اردبیل و قم و شاخه‌ی نسبتاً کم‌اهمیت استان‌های قزوین و زنجان، سایر شاخه‌های درخت مهاجرت بین استانی در این دوره را نیز به خود جذب می‌نماید.

پس از این شاخه‌ی اصلی که شاکله‌ی درخت مهاجرت‌های بین‌استانی را به‌شدت تحت تأثیر خویش قرار داده، شاهد شکل‌گیری شاخه‌های مهم دیگری هستیم. از نظر اهمیت شاخه‌های شکل گرفته، رتبه دوم به شاخه‌ی استان‌های اصفهان و خوزستان اختصاص دارد که با شدت کمتری نسبت به شاخه‌ی اول به‌وجود آمده و با پیوستن استان‌های چهارمحال‌وبختیاری و لرستان و پیوستن شاخه‌ی بااهمیت (رده چهارم اهمیت در سطح کشور) دیگری با سرشاخه‌ی استان‌های بوشهر و فارس و در مراتب بعدی هرمزگان و نیز دریافت شاخه‌ی کم‌اهمیت استان-های یزد و کرمان، در نهایت شاخه‌ی تنومند دیگری را در درخت مهاجرت‌های بین‌استانی کشور شکل داده و پس از پیوستن استان کهکیلویه‌وبویراحمد به شاخه‌ی اول (با سرشاخه‌ی البرز و تهران) متصل شده است.

رتبه‌ی سوم از نظر شدت و اهمیت شاخه‌ها به استان‌های آذربایجان‌شرقی و غربی اختصاص دارد که چنان‌چه گذشت، به شاخه‌ی اول پیوسته و بر تنومندی آن، بیش از پیش افزوده است. همچنین رتبه‌ی چهارم نیز به شاخه‌ی استان‌های بوشهر و فارس اختصاص دارد که این شاخه نیز به شاخه‌ی دوم متصل شده و در آن شاخه ادغام گردیده است. اما شاخه‌ی پنجم به استان-های خراسان رضوی و شمالی اختصاص دارد که در ادامه با دریافت شاخه مربوط به استان‌های خراسان جنوبی، سیستان‌وبلوچستان و در مراتب بعدی استان‌های سمنان و گلستان، توانسته است شاخه تنومند دیگری بر درخت مهاجرت بین‌استانی در طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ ایجاد نماید. این شاخه ابتدا به شاخه‌ی اصلی تهران- البرز پیوسته و در ادامه با پیوستن شاخه‌ی اصفهان- خوزستان کلیت درخت مهاجرت را شکل می‌دهد. اما در میان استان‌های کشور، تنها استان ایلام می‌باشد که به‌صورت شاخه‌ای منزوی به درخت مهاجرت بین‌استانی در کشور متصل گردیده است.

با عنایت به شکل(۱) که نمودار شاخه‌درختی مهاجرت‌های بین‌استانی را به نمایش گذاشته و نیز موارد مذکور در سطور پیشین، ۵ شاخه‌ی اصلی در بدنه‌ی درخت مهاجرت روییده که با

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

عنایت به آن وضعیت تمامی ۳۱ استان کشور در ۵ سال منتهی به ۱۳۹۰ مورد توجه قرار گرفت. اما در نمودار ارائه شده در شکل شماره ۱، تنها شاخه‌های شکل گرفته مطرح شدند که بیانگر نزدیکی و شدت بیشتر مهاجرت‌های بین‌استانی و قرابت آنها از نظر تبادل مهاجر بود. در این قسمت به بررسی دقیق‌تر مهاجرت‌های اخیر در قالب شبکه‌ی مهاجرت‌ها می‌پردازیم که در شکل ۲ ارئه شده است. چنان‌که در این شکل ملاحظه می‌شود، مهاجرت‌های شکل گرفته در بین استان‌های مختلف در سطح کشور در طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ به صورت جزءبه‌جزء قابل مشاهده بوده که البته از نوسان زیادی برخوردار است.

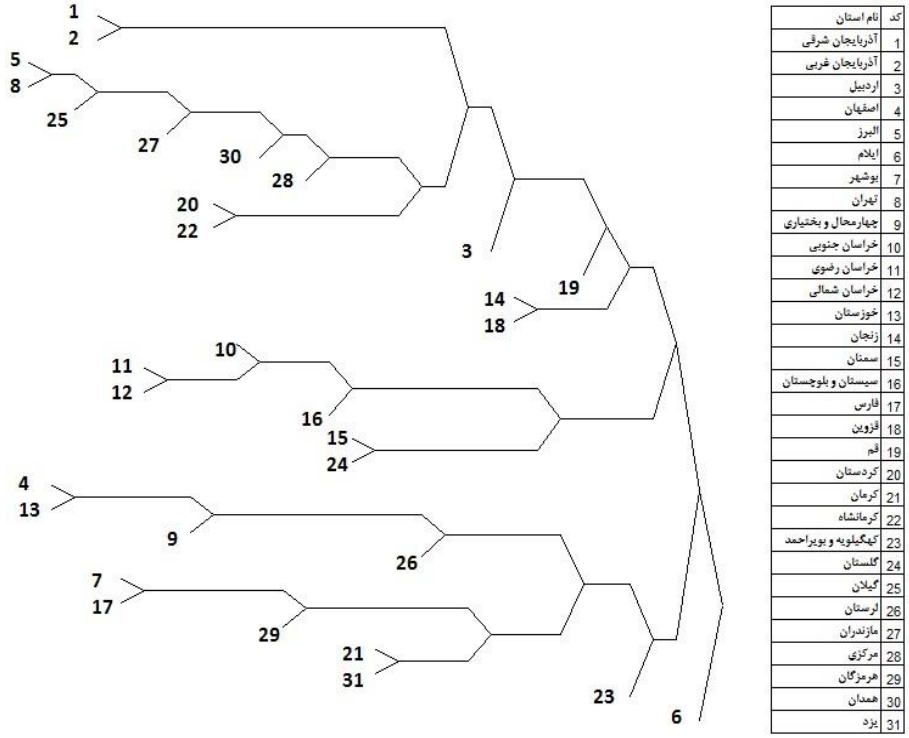

شکل (۱) نمودار شاخه‌درختی مهاجرتهای بین‌استانی طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ (پژوهشگران ۱۳۹۳ با استفاده از مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳)

در شکل (۲) جهت نمایش پیوندهای استانی از منظر تبادل مهاجر، ۹۳۰ خط ترسیم شده تا وضعیت مهاجرت‌های بین‌استانی در سطح کشور به تصویر کشیده شود. در این شکل تعداد مهاجرین با ضخامت خطوط مشخص شده است. بر اساس شکل شماره ۲ مشخص می‌شود که در سطح کشور تمامی استان‌ها در طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ دارای پیوند جمعیتی از نظر تبادل

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

مهاجر با هم بوده‌اند. این امر فارغ از اثرات مثبت و منفی مهاجرت‌های شکل گرفته که موضوع پژوهش حاضر نیست، حاکی از روابط مناسب اجتماعی- جمعیتی در سطح کشور است. با این حال، توزیع مهاجرت‌های بین‌استانی به‌صورت همگن شکل نگرفته و دارای نوسان بسیار شدیدی در میان استان‌های مختلف کشور می‌باشد.

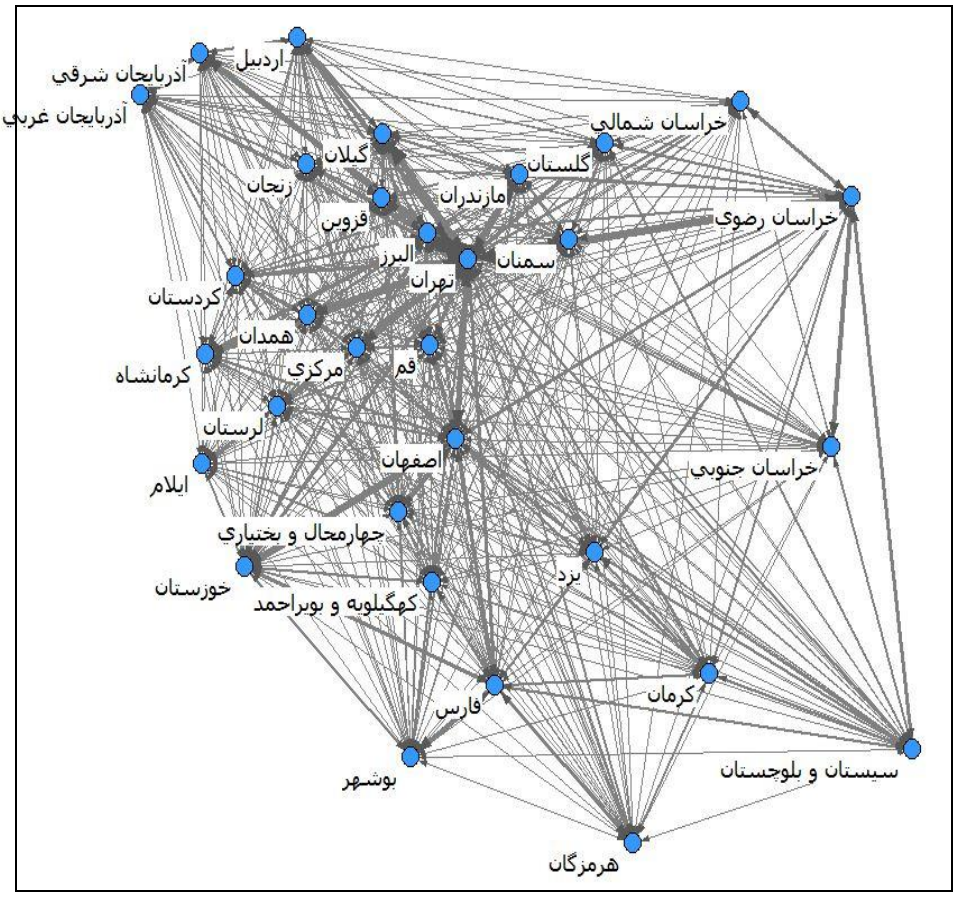

شکل (۲). شبکه مهاجرت‌های بین‌استانی طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ بر اساس موقعیت استان‌ها (پژوهشگران، ۱۳۹۳).

بررسی وضعیت استان‌های کشور مشخص می‌سازد که بیشترین مهاجرپذیری در استان البرز اتفاق افتاده که سهم قابل‌توجهی از آن ناشی از سرریز جمعیتی استان تهران بوده است. در حال حاضر استان تهران و مخصوصاً شهر تهران به دلیل تمرکز شدید جمعیتی، آلودگی هوا، ترافیک، بالابودن هزینه‌های زندگی و ... دافعه‌ی زیادی برای جمعیت ساکن ایجاد نموده و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]
[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

سرریز جمعیتی به سمت کانون‌های جمعیتی پیرامون خویش فراهم ساخته که در این میان استان البرز به مرکزیت شهر کرج، توانسته است سهم قابل توجهی از جمعیت مهاجر استان تهران را به خود جذب نماید. بعلاوه برخی جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های اخیر در ارتباط با لزوم تمرکززدایی از تهران نیز در این زمینه مؤثر به‌نظر می‌رسد. این امر در نقطه‌ی مقابل، ناشی از موقعیت خاص و ویژگیهای منحصر به فرد شهر کرج و سایر سکونتگاه‌های استان البرز از منظر؛ نزدیکی به تهران، دسترسی به شریان‌های ارتباطی متعدد و سریع، هزینه‌های نسبتاً پایین زندگی، سطح نسبتاً بالای خدمات و کارکردهای موجود و ... می‌باشد. این عوامل سبب می‌شود مزیت‌های فضایی و جاذبه‌های استان البرز در برابر نیروهای دافع جمعیتی در شهر تهران، به-شکل مؤثری عمل نموده و به‌صورت مذکور، نمود یابد. این درحالی است که استان البرز نیز سهم قابل‌توجهی از مهاجرفرستی خود را به سمت استان تهران شکل داده که البته کمتر از میزان مهاجرپذیری آن بوده و علاوه بر استان تهران با شدت بسیار زیاد و استان کرمانشاه به شکل ضعیف، با سایر استان‌های کشور دارای ارتباط بسیار ضعیفی از منظر تبادل مهاجر است. اما نقطه مقابل این وضعیت در استان تهران اتفاق افتاده و این استان دارای پیوندهای مهاجرتی نسبتاً قوی‌تری با سایر استان‌های کشور است.

پیوندهای مهاجرتی استان تهران، علاوه بر استان البرز که با شدت زیادی اتفاق افتاده، با اغلب استان‌های کشور با شدت نسبتاً کمتری مخصوصاً از نظر مهاجرپذیری برقرار بوده که عمدتاً از طریق استان‌های آذربایجان‌شرقی، آذربایجان‌غربی، خراسان رضوی، همدان، کرمانشاه، فارس، گیلان، لرستان و با شدت کمتری از طریق سایر استان‌های کشور به سمت استان تهران گسیل شده‌اند. به رغم تراکم بسیار زیاد جمعیت در استان تهران و مشکلات عدیده‌ی موجود در این استان که چالش‌های متعددی را برای زیست مناسب جمعیت در آن و مخصوصاً شهر تهران فراهم می‌سازد، به‌دلیل تمرکز شدید کارکردها، فعالیت‌های صنعتی- خدماتی، اداری، زیرساخت‌ها، درآمد و در رأس آن مرکزیت سیاسی کشور، همچنان استان تهران را به‌عنوان یکی از کانون‌های جاذب مهاجر در سطح کشور تبدیل نموده و تأثیر استان تهران در این مسئله تا حدی زیاد است که مهاجرپذیری استان البرز هم متأثر از نقش بی‌بدیل آن قابل ارزیابی و تحلیل است. در مقابل از نظر مهاجرفرستی نیز استان تهران به‌طور عمده مهاجرین خود را علاوه بر استان البرز، به سمت استان‌های گیلان، مازندران، خراسان رضوی، مرکزی، سمنان و با شدت کمتر به سمت سایر استان‌ها در سطح کشور گسیل داشته است. در مجموع میزان مهاجرپذیری استان تهران بیش از میزان مهاجرفرستی آن بوده و موازنه‌ی مثبت مهاجرتی را برای آن رقم می‌زند. هرچند استان‌های البرز و تهران سهم قابل توجهی از مهاجرین مبادله شده در بین

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

استان‌های کشور را به خود اختصاص داده‌اند و مخصوصاً استان تهران در مواجهه با تمامی استان‌ها یکی از مهمترین استان‌های دارای تبادل مهاجر است، اما استان‌های دیگری نیز وجود دارند که در این ارتباط نقش قابل توجهی را مخصوصاً در مناطق پیرامونی خویش ایفا نموده‌اند که در این زمینه می‌توان به استان‌های اصفهان، آذربایجان شرقی، بوشهر، خراسان رضوی، سمنان و ... اشاره نمود.

در این بین استان اصفهان توانسته است درجذب جمعیت ازاستان‌های خوزستان، چهارمحال-وبختیاری، لرستان، کهکیلویه‌وبویراحمد و ... نقش جاذب جمعیت و مهاجرپذیر را برای نواحی جنوب‌غربی کشور ایفا نماید. مهمترین نمود مهاجرپذیری شکل یافته برای استان اصفهان از استان خوزستان بوده که طبیعتاً در اثر مزیت‌های فضایی موجود و نقش‌آفرینی کارکردهای مختلف توسعه یافته در سطح استان اصفهان می‌باشد. این کارکردها و مزیت‌ها در استان اصفهان در مقایسه با استان‌های مورد بحث قابل قیاس نبوده و بعلاوه وجود برخی مشکلات در آنها، قدرت دافعه جمعیت را افزایش داده و وضعیت حاضر را شکل داده است. با این حال، استان اصفهان خود به‌عنوان یک کانون مهاجرفرستی نیز نقش ایفا نموده و مهاجرین ارسالی خود را که کمتر از مهاجرین دریافتی آن می‌باشد، به‌طور عمده به استان‌های تهران، خوزستان، فارس، یزد و ... گسیل داشته که سهم قابل توجهی از آن به استان تهران اختصاص دارد.

پس از استان اصفهان می‌توان به شاخه سوم از مهاجرت‌های شکل گرفته با تسلط استان آذربایجان شرقی و همراهی استان آذربایجان غربی اشاره نمود. در این گروه، استان آذربایجان شرقی که در طی چند دهه‌ی گذشته، نرخ مهاجرت خالص آن منفی بوده، توانسته است این نرخ را تا حدودی بهبود بخشد. بیشترین مهاجرپذیری استان آذربایجان‌شرقی از استان‌های آذربایجان‌غربی، اردبیل، کردستان و ... صورت پذیرفته که ناشی از کارکردهای منطقه‌ای و جاذبه‌های مرکزی این استان می‌باشد. نرخ مهاجرت خالص استان آذربایجان شرقی در طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۵ بهتر از ادوار پیشین سرشماری بوده، اما در مقایسه با سایر استان‌های مورد اشاره، نرخ نسبتاً پایینی می‌باشد که به دلیل بالا بودن میزان مهاجرفرستی استان است. استان-های تهران، آذربایجان‌غربی، البرز، اردبیل و ... استان‌هایی هستند که به‌طور عمده مهاجرین خروجی از استان آذربایجان شرقی را به خود جذب نموده‌اند. لذا نقش مهاجرپذیری استان آذربایجان شرقی به منطقه شمال‌غربی کشور محدود گشته اما در زمینه مهاجرفرستی به‌طور عمده مرکز کشور هدف مهاجرفرستی این استان بوده است.

درجات بعدی شبکه مهاجرت‌های شکل یافته به مهاجرت‌های میان استان‌های بوشهر و فارس با تسلط فضایی- کارکردی استان بوشهر، ناشی از توسعه صنایع نفت و گاز پارس جنوبی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

اختصاص دارد که جذابیت‌هایی را برای این استان فراهم آورده و قسمتی از مهاجرفرستی استان‌های پیرامونی مانند فارس، هرمزگان و بعضاً خوزستان را نیز به خود جلب نموده و نقش منطقه‌ای جاذب جمعیت را برای استان بوشهر رقم می‌زند. این مسئله در شرایطی اتفاق افتاده که استان بوشهر پس از خروج از وضعیت مهاجرفرستی سال‌های گذشته، به‌عنوان یک استان مهاجرپذیر، خصوصاً در منطقه جنوب کشور ظاهر شده است. این درحالی است که در منطقه شرق و شمال‌شرق کشور شاهد نقش‌آفرینی استان خراسان رضوی هستیم که مهاجرپذیری آن به‌طور عمده ناشی از جاذبه‌های فضایی و کارکردی موجود و برتری نسبی استان بوده و از استان‌های خراسان شمالی، خراسان جنوبی و سیستان و بلوچستان صورت گرفته است. وضعیت سایر نواحی کشور نیز از جداول و نمودارهای مربوطه قابل بررسی است.

نتیجه‌گیری

نکته حائز اهیمت در خصوص تحلیل شبکه مهاجرت‌های بین استانی در سطح کشور این است که برخی استان‌ها از نظر مهاجرپذیری توانسته‌اند کانون‌های منطقه‌ای را در نواحی مختلف کشور در جهت جذب جمعیت شکل دهند که برخی از آن مورد اشاره قرار گرفت، اما خود این کانون‌های اصلی نیز در مراتب بعدی به‌عنوان کانون‌های مهاجرفرست نقش ایفا نموده-اند که مقصد عمده این مهاجرت‌ها استان تهران و پس از آن استان البرز بوده است. با عنایت به تحلیل‌های انجام شده، نتایج حاصل از تحقیق حاضر به شرح زیر قابل بررسی است.

اثر مرکزیت و تمرکز کارکردهای فضایی در استان تهران تبلور یافته و سبب جذب مهاجرین سایر استان‌ها به سمت این استان و در اثر سرریز جمعیتی به سمت استان البرز شده است. در این زمینه، استان تهران نقش مهاجرپذیری در مقیاس ملی برعهده دارد که در نتیجه‌ی آن، موازنه‌ی مهاجرتی این استان در مقایسه با اغلب استان‌های کشور، مثبت است که این امر بیشتر با تأکید بر عوامل دافعه و جاذبه‌ی مهاجرت که توسط "لی" و "هربل" مطرح شده‌اند، قابل توجیه است. اثر عوامل جذب در استان تهران به‌حدی بوده که برخلاف نظر راونشتاین، اثر عامل فاصل از بین رفته و حتی کانون‌های ناحیه‌ای جذب جمعیت نیز، مهاجرین زیادی را به سمت استان تهران روانه داشته‌اند. هرچند که شکل‌گیری این کانون‌های ناحیه‌ای در جذب جمعیت مهاجر، خود می‌تواند تأییدی بر اثر عامل فاصله در مهاجرت باشد. همچنین شکل‌گیری این وضعیت می‌تواند حاکی از مهاجرت مرحله‌ای در سطح کشور متأثر از وجود مهاجرفرستی در کانون‌های ناحیه‌ای به سمت مرکز کشور باشد. سرریز جمعیتی استان تهران نیز می‌تواند نوعی ضدجریان مهاجرت باشد که جملگی توسط راونشتاین مورد توجه قرار گرفته است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

به نظر می‌رسد مهاجرت‌های بین استانی می‌تواند انعکاس فضایی شرایط حاکم بر استان‌ها در نظر گرفته شوند، چرا که استان‌های دارای کارکردها و نقش‌های فضایی فرااستانی که در سال-های دور به‌عنوان قطب‌های رشد مورد توجه بوده‌اند، همچنان توانسته‌اند در اثر انباشت سرمایه و فعالیت، موجبات انباشت بیشتر جمعیت را نیز فراهم آورند. این امر با توسعه فعالیت‌های بخش صنعت و خدمات در کانون‌های ناحیه‌ای تا حدودی مبتنی بر نظر "آرتور لوئیس" قابل توجیه است.

منابع و مآخذ

۱. آقایاری هیر، محسن (۱۳۸۹). **تحلیل فضایی شبکه مدیریت روستایی و ارائه الگوی مناسب مبتنی بر *IT*: مطالعه موردی شهرستان اردبیل**، رساله دوره‌ی دکتری تخصصی در دانشگاه تربیت مدرس تهران.

۲. باستانی، سوسن و مریم صالحی هیکویی (۱۳۸۶). **"سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت"**، نامه علوم اجتماعی. ۳۰. بهار ۱۳۸۶: ۹۵-۶۳.

۳. براهمن، جان (۱۳۸۱). **توسعه مردم گرا**، ترجمه عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و مرتضی توکلی، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، تهران.

۴. پاپلی یزدی، محمد حسین و محمد امیر ابراهیمی (۱۳۸۱). **نظریه‌های توسعه روستایی**، نشر سمت.

۵. تمنا، سعید (۱۳۹۱). **مبانی جمعیت‌شناسی**، نشر دانشگاه پیام نور، چاپ نهم.

۶. تودارو، مایکل (۱۳۶۷). **توسعه اقتصادی در جهان سوم**، ترجمه غلامعلی فرجادی، نشر وزارت برنامه و بودجه.

۷. جوان، جعفر (۱۳۸۹). **جغرافیای جمعیت ایران**، نشر جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ ششم.

۸. دولفوس، الیویه (۱۳۷۰). **تحلیل جغرافیایی**، ترجمه سیروس سهامی [مشهد]، نیکا.

۹. رحمانی، بیژن و سلطانی مقدس، ریحانه (۱۳۹۱). **کلان‌شهرها، مهاجرت ناحیه‌ای، انگیزه‌ها و پیامدها**؛ فصلنامه آمایش محیط، شماره ۱۶.

۱۰.رحمانی، تیمور و حسن‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۰). **اثر مهاجرت بر رشد اقتصادی و همگرایی منطقه‌ای در ایران**؛ فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی؛ شماره ۵.

۱۱.شارع‌پور، محمود (۱۳۸۶). **"نقش شبکه‌های اجتماعی در بازتولید نابرابری آموزشی"** فصلنامه تعلیم و تربیت. ۹۱، ۱۸۰-۱۶۵.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

۱۲.فرید، یدالله (۱۳۸۳). **جغرافیای جمعیت**، نشر دانشگاه تبریز، چاپ پنجم.

۱۳.کلارک، جان اینس (۱۳۹۰) **اصول و مبانی جغرافیای جمعیت**، ترجمه مسعود مهدوی، نشر قومس، تهران.

۱۴.لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸). **نظریه‌های مهاجرت**، نشر نوید، شیراز.

۱۵.لوکاس، دیوید و میر، پاول (۱۳۸۱). **درآمدی بر مطالعات جمعیتی**؛ ترجمه حسین محمودیان، نشر دانشگاه تهران، چاپ اول.

۱۶.مرکز آمار ایران (۱۳۹۳). **نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰- بخش مهاجرت**، قابل دسترسی در سایت این مرکز.

۱۷.ناطق، محمد و همکاران (۱۳۸۵). **نقش خوشه‌سازی در افزایش رقابت‌پذیری بنگاه‌های کوچک و متوسط با محوریت توسعه بازاریابی، تهران:** موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

18.Anh, D, N (2001). ***Migration in Vietnam: Theoretical Approaches and Evidence from a Survey***, transport communication publishing house.

19.Clarke, W. A. V (William A. V.) (1986). ***Human Migration***, sage publication.

20.Massey, R. David (1981). ***Labor Migration and Rural Development in Botswana***, Ph.D. thesis in Boston University.

21.Merriam-Webster (2008). ***Merriam-Webster Online Dictionary***.

22.Newbold, K. Bruce (2010) ***Population Geography: Tools and Issues***, Rowman & Littlefield Publishers.

23.Nicolavea, Yurevna, Marina (2001). ***Multi level Analysis of Migrant Selectivity to Appalachian Countries***, PhD thesis in Pennsylvania State University.

24.Robbers, Anderi (1985). ***Regional Population***, sage publication.

25.Weeks, Gohn, R. (2008). ***Population, an Introduction to Concepts and Issues***, Belmont Publications, USA.

26.Wehmeier, S. (2003). ***Oxford Advanced Learners Dictionary***, Oxford, Reprinted in I.R. Iran, 2007.

27.Yao, Fang (2008). ***The Contribution of Individual and Structural Factors on Employment Achievement among Rural to Urban Migrant in China***, PhD thesis in University of California, Berkeley.

28.Yeung, Albert, K.W. (2005). ***Concepts and Techniques of Geographic Information Systems,*** Prentice Hall publication of India, New Delhi.

29.Zhang, Zhilang, Zhang Tao and Zhang Qian (1997). ***The Push– Pull Theory of Migration and Its Application***, Journal of population science, vol.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]

9.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.22287736.1396.17.45.8.6]